

د: ۸۸/۹/۳

پ: ۸۹/۲/۱۲

سید اسماعیل جرجانی بنیانگذار پزشکی پارسی

حسن تاج‌بخش*

چکیده:

سید اسماعیل جرجانی پزشک و دانشمند ایرانی سده‌های پنجم و ششم هجری چندین کتاب ارزشمند نوشته است که آنها را از مهم‌ترین آثار تاریخ پزشکی جهان دانسته‌اند. این آثار از نظر تاریخ زبان فارسی نیز اهمیت دارند و از نمونه‌های برجسته فارسی‌نویسی در تاریخ علم به شمار می‌روند. این نوشتار پس از شرحی درباره زندگی این پزشک نامدار، شماری از آثار او را معرفی می‌کند. نویسنده در مورد هر اثر به توصیف ویژگی‌های متن و نسخه‌های به جا مانده از آن می‌پردازد و بحثی درباره جنبه‌های گوناگون اهمیت آن مطرح می‌سازد. چایهای آثار جرجانی نیز در این مقاله مورد توجه قرار گرفته است. مراجع و منابع جرجانی در تألیف آثار و نوآوریها و تجربیات جرجانی نیز بخشهای دیگر مقاله هستند.

واژه‌های کلیدی: سید اسماعیل جرجانی، تاریخ پزشکی، نسخه‌شناسی، تاریخ زبان فارسی.

* استاد ممتاز دانشگاه تهران، عضو پیوسته فرهنگستان علوم.

امیر سید امام زین‌الدین اسماعیل بن حسن بن محمد بن محمود بن احمد حسینی جرجانی (گرگانی) معروف به سید اسماعیل جرجانی، از پزشکان و دانشمندان نامدار ایران و جهان در سده‌های پنجم و ششم هجری است. وی در سال ۴۳۴ ق/ ۱۰۴۲ م در گرگان زاده شد و پس از ۹۷ سال زندگی پربرکت در سال ۵۳۱ ق/ ۱۱۳۶ م در مرو به جهان باقی شتافت.

در مکتب پزشکی ایران، سید اسماعیل جرجانی اختری درخشان است و با نگاشتن کتابهای ارزنده ذخیره خوارزمشاهی، الاغراض الطیبیه، خفی علائی، و یادگار، فارسی‌نویسی را در طب، که حتی قبل از ابوعلی سینا نیز وجود داشت، بارور و شکوفا کرد. کهن‌ترین کتاب فارسی پزشکی که تاکنون به دست ما رسیده، هدایه‌المتعلمین فی الطب تألیف ابوبکر ربیع بن احمد البخاری است که در نیمه دوم سده چهارم هجری نگاشته شده است. قدیم‌ترین نسخه این کتاب که در ۴۷۸ ق رونوشت برداری شده، در کتابخانه بادلیان آکسفورد انگلستان محفوظ است. ابومنصور موفق بن علی هروی، داروساز و پزشک بزرگ ایرانی که در سده چهارم هجری می‌زیست، نخستین کتاب داروسازی به زبان فارسی را به نام الابنیه عن حقایق الادویه نگاشت. از این کتاب نسخه‌ای به خط اسدی طوسی (شاعر و سراینده گرشاسب‌نامه و مؤلف لغت فرس) که تاریخ آن ۴۴۷ ق و کهن‌ترین نسخه خطی به زبان پارسی است، در کتابخانه ملی وین اتریش موجود است. تنها اثر پزشکی فارسی این سینا رساله کم‌ورق و پرمحتوای علم‌النبض (رگ‌شناسی) است. اما همه اینها نه چنان و چندان بود که با آن پزشک پرورند و در پهنه سرزمینهای ایرانی و گستره زبان پارسی به کار آید. نسیم روح‌افزای کاری که سید اسماعیل جرجانی یک‌تنه انجام داد، هنوز جانهای مشتاقان و جویندگان طب کهن این مرز و بوم را سرزنده می‌دارد.

جرجانی در ابتدا در همان زادگاه خود به تحصیل پرداخت. او در موارد مختلف، گرگان را «شهر من» می‌خواند و از گیاهان یا بیماریهای مردم گرگان نام می‌برد (نک: ذخیره خوارزمشاهی، چاپ عکسی نسخه خطی ۶۰۳ ق: ۱۴۰، ۶۰۵، الاغراض الطیبیه و المباحث العلائیه: ۲۸۰/۱، ۲۸۷)، این خود گواه تحصیل جرجانی در آن سرزمین است. گرگان در آن زمان یکی از کانونهای مهم پزشکی و سایر دانشهای ایران بود. ابوعلی سینا

چندی در گرگان زیست و ابو عبید جوزجانی، شاگرد و روایتگر زندگی او، در حدود ۴۰۴ ق در این شهر به شیخ پیوست و از آن پس سنت و یاد سینایی قرن‌ها در گرگان ادامه داشت. جرجانی مدتی در نیشابور اقامت گزید و در آنجا به خدمت ابوالقاسم عبدالرحمن بن علی، معروف به ابن ابی صادق (متوفی حدود ۴۷۰ ق) از شاگردان برجسته ابن سینا رسید. ابن ابی صادق در علم تشریح تسلط داشت و کتاب شرح *منافع الاعضای جالینوس* را نگاشت که سید اسماعیل جرجانی بارها از آن یاد کرده است. بدین ترتیب، جرجانی با یک واسطه، شاگرد ابوعلی سینا بود. با توجه به سال وفات ابن ابی صادق، جرجانی در وقت مرگ استاد خود سی و شش ساله بود و می‌توان گفت که بین بیست و پنج تا سی و پنج سالگی در نیشابور در خدمت این استاد، پزشکی را تکمیل کرد (نک: تاج‌بخش ۱۳۸۴-۱۳۸۵ الف).

جرجانی در *ذخیره و الاغراض الطبیه* از استاد احمد فرخ یاد می‌کند که ظاهراً در یکی از شهرها از استادان او بوده است. این استاد احمد فرخ همان مؤلف کتاب *کفایه* است که نظامی عروضی در *چهارمقاله* از آن یاد کرده است. اکنون اثری از *کفایه* احمد بن فرخ موجود نیست، ولی نسخه منحصربه‌فردی از *قرابادین* او در یازده باب کوتاه، در کتابخانه ملی پزشکی ایالات متحده آمریکا (NLM) موجود است که احتمالاً حدود سده‌های هفتم و هشتم هجری نوشته شده است (نک: شمس اردکانی و دیگران ۱۳۸۷: ۲۹۶؛ تاج‌بخش ۱۳۷۹ ب: ۳۱۷/۲؛ همچنین، تاج‌بخش ۱۳۸۶).

جرجانی در ری و فارس و فرغانه نیز زیسته و به تحصیل یا تحقیق پزشکی مشغول بوده و در قم نیز با بازماندگان کیا کوشیار دیلمی (نیمه دوم قرن چهارم هجری) ملاقات داشته است. احتمال می‌رود که به خوزستان نیز سفر کرده و مدتی مصاحب پزشکان آن سرزمین بوده باشد؛ اما بیشتر عمر خود را در خراسان به‌ویژه در مرو گذرانیده و احتمالاً در بیمارستان مرو که ابن بیطار (۱۵/۲) به آن اشاره دارد، به تحقیق و تدریس مشغول بوده است. در سال ۵۰۴ ق رهسپار خوارزم شد و به دربار قطب‌الدین محمد بن انوشترکین (حک: ۴۹۰-۵۲۲ ق) سرسلسله خوارزمشاهیان رفت که به احتمال قوی در مرو با او آشنایی داشته است. دربار خوارزمشاه در جرجانیه (شهر قدیم خوارزم) مجمع فضلا و دانشمندان بود. پادشاه مقدم جرجانی را گرامی داشت و او را به «تیمارداری» (ریاست) داروخانه

«بهاءالدوله» (احتمالاً لقب پدر قطب‌الدین) گماشت و به قول «ابن ابی اصیبعه» (۳۲/۲) ماهیانه هزار سکه طلا برای او مقرر تعیین کرد. داروخانه در خراسان به معنی بیمارستان بود، چنانکه شیخ عطار نیشابوری (در خسرونامه: ۱۳۳) گوید:

به داروخانه پانصد شخص بودند که در هر روز نبضم می نمودند
 جرجانی در همان سال نخستین کتاب مهم خود را که حدود ده سال صرف تألیف آن
 کرده بود تکمیل کرد و به نام پادشاه، ذخیره خوارزمشاهی نامید که نخستین
 دائرةالمعارف طب فارسی است و در مورد آن در ادامه این مقاله جداگانه بحث
 خواهیم کرد. بعدها در همانجا برخی دیگر از کتابهای خود را تألیف کرد و پس از
 چند سال اقامت در آن شهر به مرو بازگشت و در آخرین ماههای زندگی در سال
 ۵۳۱ ق، علی بن زید بیهقی او را در سرخس که چندان فاصله‌ای با مرو ندارد،
 ملاقات کرد. سپس به مرو بازگشت و در همان سال در آنجا درگذشت.

جرجانی علاوه بر طب، در فقه، حدیث و تصوف از برجستگان بود. یاقوت
 حموی (متوفی ۶۲۶ ق) در معجم‌البلدان (۵۴/۲) گوید: «و منها ابوابراهیم اسمعیل بن
 الحسن بن محمد العلوی الحسینی من اهل جرجان کان عارفاً بالطب جدا و له
 تصانیف حسنة مرغوب فيها بالعربية و الفارسیة، انتقل الی خوارزم و اقام بها مدة ثم
 انتقل الی مرو فاقام بها و کان من افراد زمانه و ذکر انه سمع ابالقاسم القشیری و
 حدث عنه بکتاب الاربعین له، و اجاز لابی سعد سمعانی و توفی بمرو سنة ۵۳۱».

حاصل کلام آنکه یاقوت، تسلط و شناخت بنیانی جرجانی را در پزشکی ستوده
 و وی را مصنف کتابهای نیکوی پرارزش پزشکی فارسی و عربی دانسته است. وی
 گوید حدیث و تصوف را از ابوالقاسم قشیری (متوفی ۴۶۵ ق) فرا گرفت و در این
 علوم به حدی رسید که فقیه و دانشمند بزرگی مانند ابوسعید عبدالکریم بن محمد
 سمعانی (۵۰۶-۵۶۲ ق) مؤلف الانساب از او اجازه روایت حدیث گرفت. جرجانی
 در وقت مرگ قشیری ۳۱ ساله بود و سمعانی در زمان مرگ جرجانی ۲۵ سال
 داشت. بنابراین می‌توان گفت که جرجانی در نیشابور در همان روزگاری که در
 خدمت ابن ابی صادق پزشکی می‌آموخت، از قشیری فقه و حدیث فراگرفته و به
 دستگیری او رهسپر وادی تصوف بود. سمعانی نیز باید حدیث و شاید تصوف را در
 جوانی در شهر مرو از او آموخته باشد (تاج‌بخش ۱۳۸۴-۱۳۸۵ الف؛ همو: ۱۳۸۶).

جرجانی قبل از تألیف *ذخیره خوارزمشاهی*، کتاب *قانون ابوعلی سینا* را به فارسی ترجمه کرده بود و این اثر تا زمان ابن اسفندیار (نیمه اول سده هفتم هجری) مؤلف *تاریخ طبرستان* و سالها بعد در دسترس بود. قانون در حدود شصت سال قبل از ترجمه جرجانی، توسط ابوعبید جوزجانی ترجمه شده بود؛ ولی ترجمه آن مورد پسند جرجانی نبود (ابن اسفندیار: ۱۳۷/۱؛ جرجانی، *ذخیره خوارزمشاهی*: ۵۹۷).

علاءالدوله آتسزین قطب‌الدین محمد خوارزمشاه (حک: ۵۲۲-۵۵۱ ق) که در دوران ولیعهدی و در زمان حکومت برای جرجانی احترام خاصی قائل بود، از او خواست که از کتاب بزرگ *ذخیره خوارزمشاهی خلاصه‌ای* تهیه کند تا همگان را به کار آید. جرجانی خود در وجه تسمیه آن در دیباچه کتاب گوید: «این مختصر بر دو جلد نهاده شد بر قطع مطول تا پیوسته در موزه توان داشت و بدین سبب این مختصر را *خُفی* علایی نام کرده شد». علاءالدوله لقب آتسز خوارزمشاه است و قول قزوینی (حواشی چهارمقاله) که تاریخ اتمام آن را بعد از سال ۵۲۱ ق، یعنی سال جلوس آتسز خوارزمشاه (به عقیده قزوینی) دانسته است، درست نمی‌نماید، زیرا خود جرجانی در دیباچه کتاب می‌گوید: «خادم دعاگو سید اسماعیل جرجانی چون از جمع نمودن کتاب *ذخیره خوارزمشاهی* فارغ شدم، بر لفظ عالی ... ولی عهد ابوالمظفرین خوارزمشاه رفت که کتاب *ذخیره*، کتاب بزرگ است...». *خُفی* علایی حدوداً حاوی ۱۳۰۰۰ کلمه است.

جرجانی خلاصه کوچک دیگری از *ذخیره* به نام *یادگار* تألیف کرد که حدوداً ۲۱۰۰۰ کلمه است. از مقایسه‌ای که نگارنده بین این دو کتاب نموده، می‌توان گفت این دو، تا حدی متفاوت با یکدیگرند. *خُفی* علایی در ۱۳۰۹ ق در کانپور و در همان سال در لکهنوی هندوستان چاپ شد. در ضمن این کتاب در سال ۱۳۶۹ در تهران به کوشش علی‌اکبر ولایتی و شادروان محمود نجم‌آبادی انتشار یافت. *یادگار* در ۱۳۸۱ به اهتمام مهدی محقق در تهران چاپ شده است.

جرجانی در دوران حکومت علاءالدوله آتسز خوارزمشاه به درخواست او و به وساطت وزیر او، ابو محمد صاحب‌بن محمد بخاری، پیرانه‌سر، یعنی در حدود سال ۵۲۵ ق (نک: تاج‌بخش ۱۳۸۴-۱۳۸۵ الف: پنجاه) کتاب *خلاصه دیگری*، این بار بسیار گسترده‌تر، بر مبنای *ذخیره* نگاشت. او این کتاب را که در حدود ۲۵۰/۰۰۰ کلمه و

۳۵ درصد ذخیره است به پاس خاطر علاءالدوله الاغراض الطبییه و المباحث العلائیه نام نهاد.

این کتاب با توسل به پنج نسخه خطی کهن تصحیح شده و در دو جلد (۸۶۲ صفحه متن به اضافه ۱۳۰ صفحه مقدمه در شرح حال و آثار سید اسماعیل جرجانی، با فهرست موضوعی و ۹۵ صفحه فهرست الفبایی، همراه با کتاب تألیفی مستقل تحت عنوان «فرهنگ اغراض طبی» که در حقیقت فرهنگ طب سنتی ایران است در چهارصد صفحه، به عنوان ضمیمه جلد دوم (مجموعاً ۱۵۰۰ صفحه) در سالهای ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ توسط حسن تاج‌بخش در تهران منتشر شده است. نسخه‌های خطی مورد استفاده عبارت‌اند از: الاغراض، نسخه خطی شماره ۱۱۴۵ کتابخانه حراجچی اوغلو ترکیه، مورخ ۵۹۹ ق؛ الاغراض، نسخه خطی شماره ۷۹۵ کتابخانه مسجد سیهسالار، مورخ ۶۵۱ ق؛ الاغراض، نسخه خطی شماره ۳۵۶۵ کتابخانه مسجد ایاصوفیه ترکیه، مورخ ۶۷۰ ق؛ الاغراض، نسخه خطی شماره ۱۸ پ، کتابخانه دانشکده پزشکی تهران، مورخ ۶۵۳ ق؛ الاغراض، نسخه خطی شماره ۴۸۵۶ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، مورخ ۷۸۱ ق. همچنین به عنوان نسخه کمکی از ذخیره خوارزمشاهی، نسخه خطی مورخ ۶۰۳ ق، چاپ عکسی استفاده شد.

در مورد الاغراض الطبییه باید گفت، این کتاب که مؤلف بزرگوار، آن را در واپسین سالهای زندگی به عنوان چکیده و ملخصی کامل از ذخیره استخراج کرده، کتابی نوین است. جرجانی برخی از بابها و مطلبها را از نو در هم آمیخته و آن را خلاصه و تکمیل کرده، گاهی سخنهایی دیگر آورده و برخی از مشکلات آن را حل کرده، یعنی طرحی نو در انداخته است. همو در مقدمه الاغراض به خود بالیده که آنچه بیان کرده، در هیچ کتاب هم حجم دیگری به این شیوه و شیوایی موجود نیست: «به حجم کوچک است و به معنی بزرگ و به صورت مختصرست و به کثرت فواید و شرح مشکلات مبسوط. هیچ نکته و فایده علمی ازین کتاب بیرون نیست و هیچ فرو گذاشته نیست، بلکه اندر مضایق و مواضع بحث، تصرفها کرده آمدست و به تحقیق رسانیده و کشف تمام کرده، و دعوی خادم آنست که امروز در علم طب،

مختصری بدین کمال موجود نیست، و درستی این دعوی به مطالعه معلوم گردد و به مقایسه ظاهر شود» (جرجانی، الاغراض: ۱/ ۲).

ذخیره خوارزمشاهی، الاغراض الطبییه، و یادگار و یا خفی علایی به ترتیب دائرةالمعارفهای بزرگ، متوسط، و کوچک پزشکی‌اند که در کمال شیوایی و به روشنی به شیوه‌ای منطقی نوشته شده‌اند. اگرچه قبل از جرجانی چند نوشته پزشکی به زبان فارسی موجود بود، ولی جرجانی با نوشتن این کتابها سنت طب فارسی و به طور کلی طب کهن را احیا کرد و بر پایه‌ای چنان استوار نهاد که همچنان برجا و بی‌همتاست.

جرجانی علاوه بر کتابهای فارسی، اعم از تألیف و ترجمه، کتابها و رساله‌هایی نیز به عربی تألیف کرده که عبارت‌اند از: *التذکرة الاشرفیه فی الصنعة الطبیة*، *زبدة الطب*، *تدبیر یوم و لیلة*، *الطب الملوکی*، *الرد علی فلاسفه*، *کتاب فی القیاس*، *کتاب المنبه*، *کتابی در حکمت*، و *سرانجام*، ترجمه عربی ذخیره که بعداً در مورد آن بحث می‌کنیم (بیهقی، تتمه...: ۱۰۱؛ تاج‌بخش ۱۳۸۴-۱۳۸۵ الف: چهل و شش). از *زبدة الطب*، شش نسخه خطی در کتابخانه‌های ملی، ملک، مجلس، آیت‌الله مرعشی، آیت‌الله گلپایگانی، مورخ قرنهای هفتم تا یازدهم (ارجح و دیگران ۱۳۷۱: ۵۷، ۱۶۳) و یک نسخه خطی در کتابخانه ملی پزشکی ایالات متحده آمریکا متعلق به حدود سده دوازدهم هجری وجود دارد. *الزبدة الطب* کتاب راهنمای پزشکی است به زبان عربی که در قالب جدولهایی خلاصه شده است. این کتاب شامل دو بخش است: بخش (قسم) اول درباره اصول نظری پزشکی است که خود سه کتاب است: کتاب ۱: روش تشخیص بیماری توسط گرفتن نبض و بررسی ادرار، نشانه‌های بیماریها. کتاب ۲: درباره کالبد شناسی است. کتاب ۳: در هفت جزء در مورد تبها می‌باشد. بخش دوم (قسم دوم) *زبدة الطب* به بحث در مورد درمان بیماریها می‌پردازد (نک: شکل ۱). نسخه‌ای خطی از *تدبیر یوم و لیلة*، که تاریخ کتابت آن ۹۳۸ ق است و موضوع آن بهداشت و بیماریهاست در کتابخانه ملک موجود است. این کتاب را جرجانی برای قاضی ابوسعید احمد بن سعید بن احمد شاری داور گرگانج خوارزم نگاشته است (تاج‌بخش ۱۳۸۴-۱۳۸۵ الف: چهل و شش).

الباب الثاني من شرح الفكين الاعلى والاسفل	
شرح عظام الفكين الاعلى والاسفل وعظم الفك الاعلى وهو عظم الوج ويصل به	
الفكر الاعلى ويتصل به تشريح الاذن لان زمنه وموضع عيده	
الدرورون الخاصة	
<p>اما الدرورون الخاصة فهما درورون نشا من بين الحاجبين ويبرز على الاستف من اعلى حناشئ الاسنان ويفرق بين الشفتين ويقطع اعلى الفك طولاً وسهماً درورون اخذ ايضا من بين الحاجبين ويصل عن الدرورون الاخرين بالزوايا التي يفوق بين الرباعية والثنائية من العينين والخزف من اسنار قمتين من هذه الدرورون الملتصقة عقان مثلثان وقاعدتهما ليست على منابت الاسنان بل على عرض فوق منابت الاسنان بقليل درورون يقطع الدرورون الفلج عرشا شقين بقاعدتهما المثلثين ويمتد من بؤبؤ الدرورون تحت قاعدتي المثلثين ومن قاعدتي المثلثين على الاستقامة زاوية قائمتا وعند المنابت زاوية حادة وعند منفذ الانف زاوية منفرجة هكذا ومن الدرورون الخاصة ايضا درورون ممتد من الصدغ تحت الزوج من عند الدرورون الملتصق بين اللحي والعظم الوتردي وشبهه الى الحنك العين فكما يبلغ بقرة العين يشعرت هكذا كمنه مثلث شقبي احدهما يمتد تحت الدرورون الملتصق فوق بقرة العين حتى يتصل بالحاجب والثانية دونهما تتصل كذلك من غير ان يدخل والثالثة كذلك يتصل بعد دخول ثغرت العين فيتميز هذه الدرورون بثلاثة عظام</p>	<p>درورون مشترك في الدرورون صر اما الدرورون المشتركة في الدرورون الخاصة فيمنع عظامها اذ لا يذو ان من فوق الدرورون التي من التي يمتد على عظامها وطون موضع الحاجب ويصل بين طرف الاكليل ومن تحت منابت الاسنان ومن الى بين درورون تشا من جانب الاذن ومن الى العظم الوتردي خلف الاذن ومن يمتد عند المنابت الى العظم الوتردي او هذا الدرورون مشترك بين الفك الاعلى وبين العظم الوتردي فهذه في الدرورون المشتركة وهذا احد افلاك والده اعلم بالصواب</p>
تفصيل عظام الفك الاعلى	
<p>اعلم اولاً ان العظم في جسم العين العظم يتصل بالحنك واصلب من سائر الاعضاء بحفظها الوضوح الذي يوضع عليه من مناعتها هناك يكون المنفذ الذي من هذا العظم الى الجبل الدرورون معنق حاد او منحنان يرفعي متوجهاً جذاً عند الحاجب الى الفرس عظم كما يعرض له زبد وحرد ويفضض ومنها ان يستل منها الحياط ومنها ان يقع عند النور وعند السكوة والطمان الشفتين هو مفتوحاً التنفس ولو كان من عظام الوجه او جلد كان الانفعال قصير المنافع وبالجمل من منافع الفضل يرفع الاعضاء التي تحسب اتصال العظام بالاعضاء الاخر فلا يكون الصلب واللين قد تركيباً بلا متوسط فينتاوي اللين بالصلب وخصوصاً عند الضرورة والضغطة منه</p>	<p>سما عظام الوجين بخط كل واحد منهما درورون اربعة اقسام فوق فالدرورون الذي ياتي من الصدغ الي تحت العين ومن اسفل درورون مستقيم يقطع اعلى الحنك من الجانب الاسمي الدرورون الذي ياتي من وسط الحنك وينتهي الى منابت الاسنان ويفرق بين الانشآت والرباعيات ومنها التي ياتي الوجشي درورون واحد من احد جانبي هذا الدرورون الملتصق بالعظم الوتردي والاخر هو الذي يفترق بين طرف هذا وبين الدرورون الذي يقطع اعلى الحنك ولا ومن ثلثة عظام متميز بالدرورون التي يتصل بثلاثها الجانب ومنها العظام التي تاتي من تحت الاذن في حذوها منابت اثنا عشر الرباعيات وعظام الحنك هي اصل الاذن وطها كالمثلثين كسقي زواها من فوق والقاعدتان من الاسنان عند زاوية وشفاها من اسفلهما لان كل واحد من العظمين يرتكبا الدرورون الثالثين من بين الحاجبين المائلين عن عضد فان لسان فيما سماها على طول الدرورون المستقيم عضد في خزوه الاعلى اصلب من الاسفل فكل عظام الفك الاعلى اربعة عشر عظم</p>

شكل ١. جدولهاى خلاصه شده از كالبدهشناسى فك بالا و فك پائين از كتاب زبدة الطب، نسخه خطى كتابخانه ملي پزشکی و اشنگتن أمريكا (شمس اردكاني و ديگران ١٣٨٧: ١٣٠)

نوشته‌های پزشکی فارسی جرجانی را برخی برتر از قانون ابن سینا و الحاوی رازی می‌دانند. مسلم آن است که جرجانی از همه دست‌نبرشته‌های طبی مهم موجود در زمان خود بهره گرفته و با اتکا به تجارب خویش، با بیانی که به قول دهخدا (نک: ذیل «اسماعیل»): «به فصاحت بلعمی و بیهقی» است به روشنی مقاصد خود را ادا کرده است. در هر حال با مقایسه قانون و حاوی با ذخیره و الاغراض می‌توان چنین حکم کرد که تألیفات جرجانی از جهت گستردگی در مقامی پس از حاوی رازی و هم‌پایه قانون ابن سیناست. مؤلف ذخیره از این دو کتاب و از آثار بسیاری از پزشکان و دانشمندان زمانهای کهن و معاصر به خوبی بهره برده و در هر مورد منابع خود را ذکر کرده و تألیفی پرداخته که همه دانستنیهای پزشکی زمان را در بردارد و آن را به وجهی روشن و حکیمانه به زبان فارسی عرضه داشته که در این زبان منحصر به فرد است (دهخدا، لغت‌نامه: ۲۱۵۴؛ الگود ۱۳۸۶: ۲۵۱؛ تاج‌بخش ۱۳۸۵-۱۳۸۴ الف: شصت و دو؛ همو ۱۳۸۶: ۲/۲-۵۰۴-۵۰۵).

در مورد مذهب جرجانی باید گفت که او در شرایط زمان دوران سلجوقیان کتابهای خود را به نام پادشاهان حنفی یا شافعی خوارزمشاهی نوشت که خود خراجگزار سلطانهای سلجوقی بودند. او قسمت عمده‌ای از زندگی خود را در خراسان تحت سیطره سلطان سنجر گذراند. بنابراین طبیعی است که می‌بایست جانب سیاست مذهبی حامیان خود را رعایت کند. با توجه به اینکه جرجانی از یک سو، به قول یاقوت حموی (معجم‌البلدان: ۵۴/۲) سید علوی حسینی بوده و در ذخیره و الاغراض صریحاً خود را حسینی می‌داند، مسلم است که مقصود از حسینی سادات حسینی است (نک: برهان: ۶۸۷) و از سوی دیگر اهل گرگان بوده که مردم آن به قول قزوینی رازی (ص ۴۵۹) همه بر مذهب شیعه بودند: «آنکه در ولایت حلب و حران و کوفه و کرخ و بغداد و مشاهد ائمه و مشهد رضا و قم و قاشان و آوه و سبزوار و گرگان و استرآباد و دهستان ... همه شیعه اصولی و امامتی باشند». بدین ترتیب به شیعه بودن او می‌توان توجه کرد. جرجانی در ذخیره و الاغراض در مبحث حیض نظر علمای حنفی و شافعی و همچنین ابن ابی عمران را یاد می‌کند: «این قول طبیبان است و اولیتر آن باشد که بقول علماء شرع گیرند و نزدیک اصحاب ابوحنیفه رحمه الله، کمترین سه روزست و بنزدیک شافعی رحمه الله علیه روزگار حیض کمترین یک

روز است و بیشترین پانزده روزست و ابن ابی عمران از یحیی بن اکثم حکایت می‌کند که وی گفت روزگار پاکی کمترین نوزده روز است» (جرجانی، *الاعراض*: ۷۶۱). مقصود از ابن ابی عمران، ابوجعفر محمدبن احمدبن یحیی بن عمران اشعری از اهالی قم است که در اوایل قرن چهارم هجری شهرت داشت. ابن ندیم (متوفی ۳۸۰ ق) در مورد او چنین گفته است: «از علماء شیعه، در روایت و فقه است و این کتابها از وی است: کتاب الجامع مشتمل بر .. باب در فقه و آداب ...» (ابن ندیم، *الفهرست*: ۳۶۰؛ همچنین نک: تاج‌بخش ۱۳۸۴-۱۳۸۵: ۹، ۳۸۳) بنابراین با توجه به آنچه گفته شد و دلایلی دیگر (نک: تاج‌بخش: ۱۳۸۴-۱۳۸۵ الف: پنجاه و سه - پنجاه و شش) می‌توان گفت که سید اسماعیل جرجانی از دانشمندان بزرگوار شیعه است.

ذخیره خوارزمشاهی

ذخیره خوارزمشاهی جامع‌ترین اثر پزشکی به زبان فارسی است. جرجانی با نگاشتن این کتاب و *الاعراض الطیبیه* بنیان‌گذار راستین پزشکی پارسی و زنده‌کننده طب در زمان خویش و چندین سده بعد شد. از همه مهم‌تر، طب ایرانی فارسی شد و آموزش پزشکی در پهنه جهان ایرانی‌نژاد آسان‌تر و گسترده‌تر شد. جرجانی در مقدمه ذخیره که معمولاً پس از پایان نگارش کتاب عرضه می‌شود، ضمن تقدیم کتاب به قطب‌الدین محمد، سرسلسله خوارزمشاهیان، سال تألیف ذخیره را ۵۰۴ ق یاد کرده و هدف از پارسی‌نوشتن آن را فراهم آوردن امکان استفاده همگان می‌داند و می‌گوید: «از وقتی که طب می‌آموختم آرزو می‌کردم روزی کتابی بنویسم که جوینده را از سایر کتابهای پزشکی بی‌نیاز کند».

سپس با کمال اطمینان از دانشمندان می‌خواهد که آن را با سایر کتابهای طبی مقایسه کنند تا ارج و برتری آن را دریابند، چنانکه در مقدمه *اعراض* نیز تقریباً چنین دعوی کرده است. وی گوید: «چون تقدیر ایزد تعالی چنان بود که جمع‌کننده این کتاب بنده دعاگوی خداوند خوارزمشاه قطب‌الدین محمد قصد خوارزم کرد و بخدمت این خداوند نیک بخت شد اندر سال پانصد و چهار از هجرت ... اینجا مقام اختیار کرد و اندر سایه عدل و دولت او بیاسود، واجب دانست حق نعمت شناختن و ثمره علمی که مدتی از عمر خویش اندر آن گذرانیدست اندر ولایت این خداوند

نشر کردن. برین نیت این کتاب بنام این خداوند جمع کرد و کتاب را ذخیره خوارزمشاهی نام کرد تا همچون نام او خداوند اندر آن معروف گردد و پیارسی ساخت تا ببرکات دولت او منفعت این کتاب به هر کسی برسد و خاص و عام را بهره باشد ... چون بنده دعاگوی جمع کننده این کتاب، اسمعیل بن الحسین بن محمد بن احمد الحسینی الجرجانی حال این ولایت بدید و حاجتمندی اهل ولایت بعلم طب بشناخت این کتاب بر سبیل خدمت این خداوند بساخت... و اگرچه این خدمت پیارسی آمده است، لفظها تازی که معروفست و بیشتری مردمان معنی آن دانند و بتازی گفتن سبک تر باشد، آن لفظ هم بتازی یاد کرده آمد و از این لفظها بیشتری را پارسی نیز گفته آید ... و خادم دعاگوی اندر آن روزگار که طب همی خواند و کتابها طب همی نگریست بسیار تمنی کردی که کتابی بایستی که آنچه از طب همی بیاید دانست اندر آن کتاب جمع بودی و برین نسق هیچ کتابی نیافت پس ببرکات دولت این خداوند آنچه تمنی کرده بود قصد کرد تا ساخته شد ... و فضلاء روزگار که این کتاب را مطالعت کنند و با دیگر کتابها برابر کنند، فرقی که میان این کتابهاست بشناسند و گواهی دهند که این جمعی تمامست، و انصاف جویندگان علم اندر این کتاب داده شدست و طریق رسیدن به مقصود بر همگان کوتاه گردد» (جرجانی، ذخیره: ۱۳-۲).

ذخیره خوارزمشاهی منبع عظیم طب و لغت فارسی است و کتابی نیست که مؤلف آن را در عرض یک سال تألیف کرده باشد آن هم با دقت و تأملی که سید اسماعیل داشت (نک: همان: ۶۴۴). آری او ذخیره را نگاشت که از آنچه می پنداشت نیکوتر است و حدود ۷۰۰/۰۰۰ کلمه است. این اثر شگرف بدون شک سالیانی کار و تحقیق و آسودگی می طلبید که او را نصیب شد. فیلسوف الدوله در مطرح الانظار (ص ۲۰۷) رساله ای در حفظ صحت تألیف سال ۴۹۵ ق را به جرجانی نسبت داده و دهخدا (لغت نامه: ۲۱۴۶) نیز همین رساله را با همان تاریخ خود دیده که به نام خوارزمشاه است. دیگر از این رساله در ایران خبری نیافتم. در کتابخانه ملی پزشکی واشنگتن هشت برگ از این رساله وجود دارد (نک: شمس اردکانی و دیگران: ۱۳۸۷: ۱۳۳). قاعدتاً رساله حفظ صحت بیش و کم با بخش دوم کتاب الاغراض (اندر تدبیر حفظ الصحه) و کتاب سوم ذخیره (اندر نگاه داشتن تندرستی) مطابقت دارد.

بنابراین باید گفت: جرجانی حدود ده سال پیش از اتمام ذخیره قسمتی از آن را نگاشته و به نام قطب‌الدین محمد خوارزمشاه نموده بود. علاوه بر این، با ژرف‌نگری در ذخیره می‌توان دریافت که تألیف این کتاب بیش از ده سال وقت برده است که مؤلف آن را به‌ویژه در روزگار اقامت در مرو نگاشته و چون در خوارزم مسکن گزید همان را در سال ۵۰۴ ق تنظیم و به نام قطب‌الدین محمد خوارزمشاه تکمیل نمود (تاج‌بخش ۱۳۸۴-۱۳۸۵ الف: چهل و سه؛ همو ۱۳۷۹ ب: ۲ / ۳۱۹).

در کتابخانه ملی پزشکی ایالات متحده آمریکا رساله‌ای در مورد *حفظ‌الصحة* به شعر فارسی وجود دارد که از هفت بخش (باب) و یک خاتمه تشکیل شده و آن را به جرجانی منسوب داشته‌اند؛ در عین حال، امکان آنکه شاعر ناشناسی آن را سروده باشد نیز در معرفی نسخه مزبور تصور شده است. این جانب عکس صفحه اول آن را که در کتاب «مجموعه‌ای از آثار علوم پزشکی دانشمندان اسلامی و ایرانی» (شمس اردکانی و دیگران ۱۳۸۷) موجود است، قرائت کرده که در آن کلمه شریف به احتمال زیاد به عنوان تخلص آمده است (نک: شکل ۲). قسمتی از این اشعار در مورد فصل ربیع چنین است:

اعدلست از فصلها فصل ربیع	هضم در این فصل می‌باشد سریع
فصد و اسهال و عرق، و طی ای جوان	نیک می‌باشد چو استفراغ، هان
در ریاضت کوش و می‌کن اجتناب	از غذای تلخ و شور ای مستطاب
بر مزاج لاغر و جسم نحیف	نیک نبود خرج فزله، ای شریف

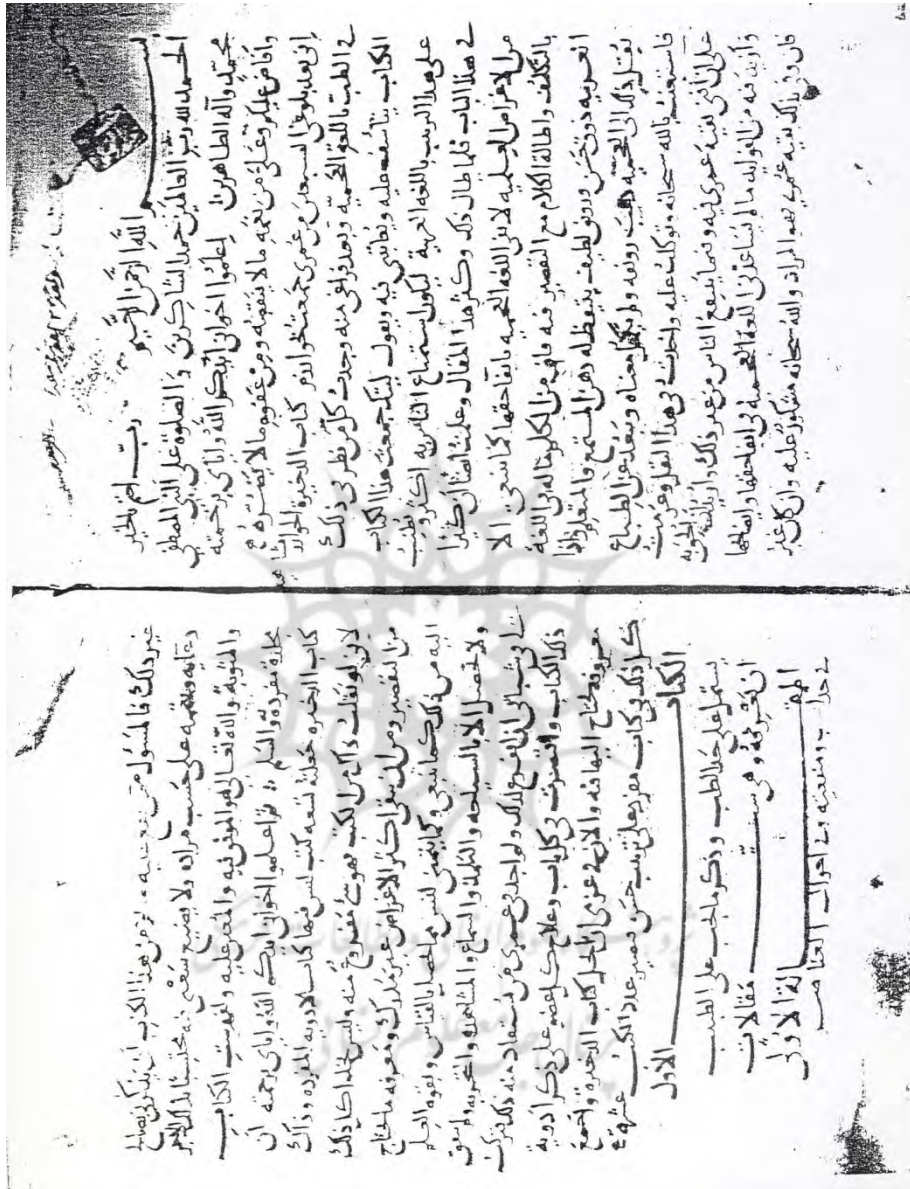
به عقیده این جانب این رساله منظوم از سید اسماعیل جرجانی نیست و به احتمال قوی از میرسید شریف جرجانی (۷۴۰-۸۱۶ ق) است که شاید بر مبنای رساله *حفظ‌الصحة* سید اسماعیل جرجانی سروده شده باشد.



شکل ۲. صفحه آغاز رساله منظوم حفظ الصحة که در بیت آخر فصل رابع آن نام شریف آمده است (شمس اردکانی و دیگران ۱۳۸۷: ۴۰۵)

جرجانی با نگاشتن *ذخیره خوارزمشاهی و الاغراض الطیبه سنت طب فارسی و اصولاً طب کهن را احیا کرد و بر بنیانی استوار قرار داد که تا کنون برجاست و همتایی ندارد. با همه اینها وی مورد بازخواست گروهی از معاصران عرب‌گرای خود قرار گرفت، زیرا به باور آنان بهتر بود *ذخیره را به عربی می‌نوشت تا بیشتر از آن بهره‌ور گردند. از این رو مؤلف در سالهای پایانی زندگی خود به درخواست مجدالدین ابومحمد وزیر آتسز خوارزمشاه تمام *ذخیره را به عربی ترجمه کرد. مؤلف در مقدمه ترجمه عربی *ذخیره ضمن اشاره صریح به هفتاد سالگی خود در وقت تألیف *ذخیره فارسی گوید: «انی بعد بلوغی السبعین من عمری جمعت بخوارزم کتاب الذخیره الخوارزمشاهیة فی الطب باللغة العجمیة و بعد فراغی منه وجدت کل من نظر فی ذلک الکتاب یتأسف علیه و یعاتبنی فیہ و یقول لیتک جمعت هذا الکتاب علی هذا الترتیب باللغة العربیة لیکون استمتاع الناس به اکثر».*****

البته *ذخیره عربی برخلاف *ذخیره فارسی چندان مورد استقبال قرار نگرفت. از *ذخیره عربی نسخه نفیسی با عنوان ترجمه *الذخیره الخوارزمشاهیة* به شماره ۱۱۳ پزشکی در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است (نک: شکل ۳). این نسخه کامل نیست و تنها شامل دو کتاب از تمام مجموعه در ۲۲۳ برگ است. این مجموعه در تاریخ ۵۴۵ ق یعنی ۲۴ سال پس از مرگ جرجانی توسط پسر اسی بکر الفرار نوشته شده است. اهمیت این نسخه از این نظر است که قدیم‌ترین دست‌نویسته از آثار جرجانی است. نسخه خطی دیگری از ترجمه عربی *ذخیره به شماره ۴۷۷۲ در کتابخانه ملی ملک موجود است.****



شکل ۳. عکس برگ آغازین ترجمه الذخيرة الخوارزمشاهيه مورخ ۵۴۵ ق، نسخه خطی ۱۱۳ پ، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

ذخیره خوارزمشاهی و به پیروی آن *الاعراض الطبیه* بهترین و مهم‌ترین کتابهای پزشکی به زبان فارسی‌اند که از ابتدای خط فارسی تا کنون نگاشته شده‌اند. مسلماً امروزه برخی از مطالب این کتابها مانند هر کتاب طبی کهن دیگر منسوخ شده‌اند؛ با وجود این، اگر این دو کتاب را در ترازوی زمان بسنجیم همانا بهترین و شیواترین کتابهای پزشکی فارسی‌اند. ذخیره خوارزمشاهی نه یک کتاب بلکه دائرةالمعارفی است که تمام مباحث طب زمان اعم از کلیات و جزئیات، بیماریها و نشانیهای آنها، علل و اسباب، تشخیص، دارو و درمان را با بیانی شگرف و منطقی ویژه ارائه کرده است. مؤلف این کتابها را به بابها، فصلها و مدخلهای متنوع تقسیم کرده و مطالب را به شیوه‌ای مستدل و همگون بیان کرده است. جرجانی شیوه مبتنی بر تجربیات مکرر رازی و پراکندگی کتاب او، *الحاوی*، بیان کلاسیک و منطقی و گاه مشکل ابوعلی سینا و دیگر نویسندگان بزرگ پیشین را با معیار خرد ناب و تجربیات خویش به هم آمیخته و با روندی منطقی، روشن و نسبتاً آسان، پزشکی را بر موازینی نمونه قرار داده و اصطلاحات آن را یکنواخت کرده است. ذخیره خوارزمشاهی، *الاعراض الطبیه*، خفی علایی و یادگار اندکی پس از تألیف، گسترشی شگرف پیدا کردند، چنانکه نظامی عروضی که چهار مقاله را در حدود ۵۵۰ ق یعنی تنها نوزده سال پس از درگذشت جرجانی نوشته، همه آنها را در زمره کتب اصلی درسی پزشکی ذکر کرده است:

«پس طبیب باید نیکو اعتقاد بود و از کتب وسط، ذخیره ثابت قره، یا منصوری محمد زکریای رازی یا هدایه ابوبکر اخوینی یا کفایه احمد قرخ یا *اعراض* سید اسماعیل جرجانی باستقصاء تمام بر استادی مشفق خواند، پس از کتب بسائط یکی به دست آرد، چون سنه عشر جالینوس یا *حاوی* محمد زکریا یا *کامل الصناعة* یا *صد باب* بوسهل مسیحی یا *قانون* ابوعلی سینا یا *ذخیره خوارزمشاهی* و بوقت فراغت مطالعه همی کند ... باید که ازین کتب صغار یکی پیوسته با خویشتن دارد چون *تحفه الملوک* محمدبن زکریا ... و *خفی علایی* و *یادگار* سید اسماعیل جرجانی» (نظامی عروضی، چهار مقاله: ۷۰-۷۱).

اهمیت ذخیره خوارزمشاهی به حدی است که بعضی آن را برتر از *قانون* ابوعلی سینا می‌دانند. الگود (۱۳۸۶: ۲۵۱) گوید: «کتاب ذخیره از نظر سبک بین *قانون* و *الحاوی* قرار دارد. این کتاب از مطالبی درباره فیزیولوژی خالی نیست و این مطالب

در تمام قسمتهای کتاب پخش شده است. نیز این کتاب با تعداد زیادی یادداشتهای بالینی شخصی تکمیل شده است. این را هم باید اعتراف کرد که قانون کتاب کسل کننده‌ای است در حالی که ذخیره این طور نیست». علامه دهخدا (تحت‌نامه: ۲۱۵۴) در مورد ذخیره گوید: «بعضی از اهل صنعت، ذخیره را بر حاوی رازی و قانون بوعلی فضیلت نهاده‌اند و هم از لحاظ ادب شاهکاری بی‌نظیر در نثر فارسی. اینکه بی‌نظیر می‌گوییم از این است که در صنعت طب با بسیاری فصول و ابواب و گوناگونی مباحث که آن صنعت راست، در همه جا این نویسنده به فصاحت بلعمی و بیهقی مقاصد خویش را ادا کرده است. در حالی که آن دو تنها در بیان وقایع تاریخی هنر خویش نموده‌اند».

هورن^۱ در مقاله‌ای که در ۱۸۹۰ م در وین منتشر کرده، ذخیره خوارزمشاهی را ترجمه و رونوشتی از قانون ابوعلی سینا دانسته و نصر (۱۳۶۲: ۳۰) نیز همین نظر را ابراز کرده است. در بطلان این سخنان گوییم: ابن اسفندیار (۱۲۷/۱) علاوه بر ذخیره خوارزمشاهی و خلاصه‌های آن، ترجمه قانون ابن سینا را نیز صریحاً در زمره آثار جرجانی ذکر کرده است. جرجانی به ترجمه قانونی که توسط ابوعبید جوزجانی شاگرد ابن سینا انجام گرفته مستنداً ایراد وارد کرده است (جرجانی، ذخیره: ۵۹۷). همو کتاب ذخیره خویش را به عربی ترجمه کرده است؛ آیا از خردمندی همچو او چنین کاری برمی‌آید. در این مورد قاطع‌ترین برهان نوشته خود جرجانی است. وی در پایان کتاب نهم ذخیره، در مورد اینکه چرا ادویه مفرده را به طور جداگانه نوشته، گوید: در این مورد فرصت نداشتم که جهان را بگردم و تحقیق کنم و دیگران نیز تحقیق کامل نکرده‌اند و آنچه نوشته‌اند در کتابها موجود است «و اگر کسی خواهد که ادویه مفرده قانون با این کتاب اضافه کند، نیک باشد و بنده این نکرد از بهر آنکه اگر این کتاب بدین اضافه کردی همان کسان که خواهند گفت چرا این را ادویه مفرده نیست توانند گفت که این ادویه مفرده جمع تو نیست (جرجانی، ذخیره: ۶۴۵).

تیری دو کروسول^۲ فرانسوی که پایان‌نامه دکترای تخصصی خود را در مورد مطالب چشم‌پزشکی ذخیره خوارزمشاهی و الاغراض الطیبیه نگاشته، گوید: «گرگانی نکات اصلی و اختصاصی کتب مؤلفین دیگر را استخراج و آنها را به دقت به هم

پیوند داده، خود نیز مطالبی بر آن افزوده و در هر مورد با اتکا به تجربیات شخصی اظهار نظر نموده و سرانجام کتاب جدیدی عرضه داشته است» (تیری دو کروسول ۱۹۹۲: ۴۶۸).

ذخیره خوارزمشاهی به زبانهای اردو، ترکی و عبری ترجمه شد. ترجمه اردوی ذخیره سرانجام چاپ سنگی شد و تا اوایل قرن بیستم مورد استفاده حکیمان هندی بوده است. شرف‌الدین صابونجوقلو (متوفی ۸۷۳ ق) مؤلف کتاب جراحی ترک در «اماسیه» به کمک شاگرد ایرانی خود، غیاث‌بن محمد، مؤلف کتاب *مرآة‌الصحة* تمام ذخیره را از فارسی به ترکی ترجمه کرد. ابوالفضل محمدبن ادريس دفتری (متوفی ۹۸۲ ق) نیز ذخیره را به ترکی ترجمه کرده است. از ترجمه عبری ذخیره نسخه ناکاملی به شماره ۱۱۶۹ در کتابخانه ملی پاریس موجود است و تنها کتاب پزشکی فارسی است که به این زبان ترجمه شده است (الگود ۱۳۸۶: ۲۵۱؛ همو ۱۳۵۷: نه - ده؛ براون ۱۹۲۱: ۹۸-۱۰۰؛ صفا ۱۳۵۶: ۳۱۶/۲؛ تاج‌بخش ۱۳۷۹ الف: ۱۶۵، ۲۶۵).

ذخیره خوارزمشاهی و سایر تألیفات جرجانی همیشه در ایران اهمیت فراوانی داشته و نه تنها در دوران صفویه و پیش از آن، بلکه تا زمان گرایش به طب غربی محل مراجعه طبیبان و مهم‌ترین کتاب درسی دانشجویان پزشکی بوده است. این کتاب و *الاعراض الطبیة* از منابع اصلی واژگان و ترکیبات زبان فارسی در پزشکی و غیرپزشکی است (نک: تاج‌بخش ۱۳۸۴-۱۳۸۵ الف).

نام ذخیره خوارزمشاهی الهام‌بخش نگاشتن برخی از کتابهای پزشکی بوده است. حکیم رستم که در سال ۹۵۱ ق از گرگان به هند مهاجرت کرد، در سال ۹۵۴ ق کتابی در شرح داروهای مفرد و مرکب نگاشت و به تقلید از ذخیره خوارزمشاهی آن را به یاد نظام شاه سلطان «احمد نگر» هندوستان ذخیره نظام‌شاهی نامید. کتاب جراحی ذخیره کامله را حکیم محمد به نام شاه صفی (متوفی ۱۰۵۲ ق) نگاشت. گرچه در این کتاب مستقیماً از ذخیره خوارزمشاهی نام نبرده، ولی مشابهت مطالب آن با قسمتهای جراحی ذخیره، چنین متصور می‌کند که نام ذخیره کامله به عنوان ادای دینی به جرجانی باشد (الگود ۱۳۵۷: پانزده، ۹۷).

جرجانی پس از نگارش ذخیره خوارزمشاهی و *الاعراض الطبیة* پرچمدار طب ایران شد و در سده‌های پس از آن بسیاری از مؤلفین از او الهام گرفته و یا

کتابهایش را به وام گرفته، گاهی از مؤلف یاد کرده و گاهی به یغما برده‌اند. غیاث‌الدین محمد بن علاء‌الدین سبزواری معروف به غیاث طبیب کتاب *قوانین العلاج* را در سال ۸۷۱ ق بر مبنای بخش دوم *الاعراض الطیبیه نگاشت*. پسر همین طبیب به نام غیاث‌الدین بن محمد در سال ۸۹۶ ق کتاب *مرآة‌الصحة* را در اصفهان به نام سلطان بایزید عثمانی تألیف کرد که نسخه‌ای به خط مؤلف در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. نویسنده از *ذخیره خوارزمشاهی* مطالب زیادی اخذ کرده و البته گاهی نیز از صاحب *ذخیره* یاد کرده است. علی افضل قاطع در کتاب *فوائد/افضلیه* که در حدود ۱۰۷۰ ق تألیف کرده از *ذخیره خوارزمشاهی* و مدارکی دیگر بهره گرفته و از همه آنها در مقدمه کتاب خویش نام برده است. حمدالله مستوفی در *نزهت القلوب* تألیف ۷۴۰ ق از کتاب *دهم ذخیره*، یعنی *منافع الاعضای حیوانات بهره فراوان برده است*. بهاء‌الدوله رازی (*درگذشته حدود ۹۱۵ ق*) در *خلاصة‌التجارب* در چند مورد از جرجانی ذکر کرده است (صفا ۱۳۵۶: ۱۰۹/۴-۱۱۰). غیاث‌الدین بن محمد، *مرآة‌الصحة*: ۴۱۲؛ علی افضل قاطع، *فوائد/افضلیه*: ۲؛ مستوفی، *نزهت القلوب*: مقالة اول و دوم؛ بهاء‌الدوله رازی، نسخه خطی ۱۴۰۰ دانشگاه). شاردن^۳ که بین سالهای ۱۰۷۵ تا ۱۰۸۸ ق، ده سال در ایران اقامت داشته گوید: «بزرگ‌ترین اثر پزشکی ایرانیان *ذخیره خوارزمشاهی* نام دارد» (شاردن ۱۳۳۵-۱۳۴۵: ۲۲). اما در *تحفة حکیم مؤمن تنکابنی (تحفة‌المؤمنین)* نوشته ۱۰۸۰ ق نامی از جرجانی و آثارش برده نشده، چنانکه از بهاء‌الدوله رازی و حکیم مظفر شفاپی (متوفی ۹۶۳ ق) نیز یاد نشده است (حکیم مؤمن، *تحفة‌المؤمنین*: ۸-۹). محمدحسین عقیلی آخرین پزشک و داروساز بزرگ ایران و جهان اسلام، مؤلف کتابهای *مخزن‌الادویه* و *قرآبادین*، در کتاب آخری در بسیاری از موارد از *ذخیره خوارزمشاهی* و نویسنده آن یاد کرده است (عقیلی، *قرآبادین*: ۵۷۱، ۵۷۳، ۶۳۶، ۶۹۳).

مراجع جرجانی

جرجانی در *ذخیره* و همچنین *الاعراض* بارها از مؤلفین مختلف پزشکی یونانی، رومی، ایرانی - اسلامی یاد کرده و کتابهای او از نظر ذکر مراجع از مستدل‌ترین نوشته‌های جهان است. از آن جمله این موارد را می‌توان ذکر کرد: بقراط، ارسطو،

جالینوس، اسکندر افرویدیسی، اهرن، فولس، ارکاغانیس، اندروماخس، لوغادیا، مژودیطوس، دیسقوریدوس، هرمس، جورجیس بختیشوع، ماسرجویه، یوحنا بن ماسویه، عیسی بن صهاربخت، حنین بن اسحاق، اسحاق بن حنین، ثابت بن قره، شاپور بن سهل، یوحنا سرافیون، کندی، ساهر، علی بن زید (ربن) طبری، ابوزید بلخی، محمد بن زکریای رازی، علی بن عباس مجوسی اهوازی، ابوعلی سینا، ابوالحسن ترنجی، ابن ابی صادق، استاد احمد فرخ، تجربیات طبیبان هندوستان، نسخه‌هایی به خط سریانی، نسخه‌های منسوب به سلیمان پیامبر (تاج بخش ۱۳۸۴-۱۳۸۵ الف: شصت - شصت و نه؛ همو ۱۳۷۹ب: ۱۷۴-۱۶۰).

از ذخیره خوارزمشاهی بیش از شصت نسخه خطی گزارش شده که اکثراً ناقص است. قدیم‌ترین نسخه‌ها دو نسخه ناقص مورخ ۵۸۱ ق و ۵۸۲ ق است که به ترتیب در کتابخانه مجلس و مرکزی دانشگاه تهران موجود است. یکی از بهترین نسخه‌های کامل، دست‌نوشته مورخ ۶۰۳ ق بنیاد فرهنگ است که در سال ۱۳۵۵ ش به کوشش مرحوم سعیدی سیرجانی با چاپ عکسی منتشر شده است.^۴ نسخه کامل نفیس دیگری به شماره ۵۱۵۶ متعلق به نیمه دوم سده هفتم هجری در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. به جز اینها نسخه‌های دیگری نیز در خارج و داخل ایران از این کتاب موجود است (نسخه‌های مورخ ۶۰۳ و نیمه اول و دوم سده هفتم هجری).

ذخیره خوارزمشاهی گرچه مهم‌ترین کتاب طب فارسی است، هنوز از آن چاپ انتقادی و کاملی موجود نیست. قسمت تبه‌های ذخیره تحت عنوان حُمیات در سال ۱۲۸۲ ق در هندوستان با چاپ سنگی منتشر شده است. کتابهای اول و دوم (از یازده کتاب) ذخیره به کوشش مرحوم محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار، به ترتیب از نسخه نیمه اول سده هفتم هجری و دو نسخه کتابخانه فاتح استانبول در سالهای ۱۳۴۴ و ۱۳۵۰ توسط انتشارات دانشگاه تهران چاپ شده است. کتاب اول ذخیره در سال ۱۳۴۴ توسط مرحومان اعتمادی، شهراد و مصطفوی، و کتابهای دوم و سوم به کوشش مصطفوی در سالهای ۱۳۴۹-۱۳۵۶ در زمره انتشارات انجمن آثار ملی به چاپ رسیده است. همه این چاپها ناقص مانده و چاپ انتقادی نیست. کتابهای اول تا پنجم ذخیره در سه جلد در سالهای ۱۳۸۰-۱۳۸۴ به تصحیح محمدرضا

محرری از روی نسخه کامل مورخ ۶۰۳ ق و در موارد تردید با مراجعه به دو نسخه دیگر توسط فرهنگستان پزشکی به چاپ رسیده است. این چاپ نیز چاپ انتقادی نیست و نسخه‌بدلها در آن ذکر نشده. نسخه خطی گاهی دارای اشتباهات مهمی از طرف کاتب است که همان به نسخه چاپی انتقال یافته است. در خود متن نیز اشکالاتی از نظر قرائت کلمات موجود است. به هر حال کوششی انجام گرفته که امید است در چاپهای بعدی این متن با چند نسخه معتبر دیگر مقابله و اشکالات آن رفع شود.

بخشهای ذخیره خوارزمشاهی

ذخیره از یازده کتاب (بخش) شامل نه کتاب اصلی و دو کتاب ضمیمه تشکیل شده است. جرجانی در انتهای کتاب نهم گوید: برای ادویه مفرده و قرابادین به طور مستقل بخشهایی نوشتم، چون مقصود از نگارش ذخیره آوردن مطالب به گونه‌ای است که در کتابهای دیگر عرضه نشده باشد. در مورد داروسازی اگر می‌خواستیم به همین شیوه بنگارم باید جهان را بگردم و تحقیق کنم که این فرصت را نداشتم. بنابراین در مورد داروها، آنچه در مباحث درمانی گفته شد کافی است (جرجانی، ذخیره: ۶۴۴). البته مؤلف بعداً این نقصان را جبران کرد و علاوه بر مطالبی که در کتاب سوم ذخیره در مورد برخی از داروهای مفرده گفته بود، دو کتاب دیگر را، یکی در منافع دارویی اعضای بدن حیوانات و دیگری قرابادین در شناخت داروهای مرکب، بر ذخیره افزود که در آن در ضمن داروهای مفرده ضروری را شرح داده است.

کتاب اول ذخیره در شش گفتار در شناختن حد طب، مایه‌ها (ارکان)، مزاجها، خلطها، تشریح اندامها، قوت‌های طبیعی، حیوانی و نفسانی است. کتاب دوم در نه گفتار است و در آن وضعیت جسم، تندرستی و بیماری، نشانیهای کلی بیماریها و علل آنها، حالت‌های دم زدن، نبض، عرق، ادرار، مدفوع، و خلط سینه مورد دقت قرار گرفته است. کتاب سوم دارای دو بخش هفت گفتاری است و به نگاه داشتن تندرستی و بهداشت اختصاص دارد. کتاب چهارم، در چهار گفتار، به چگونگی

تشخیص بیماریها، نُضج یا سیر بیماری، بحران و اوج بیماری، تقدمة‌المعرفه (پیشگویی بیماری و مرگ) اختصاص دارد.

کتاب پنجم در شناختن انواع تب، اسباب و علاج آن در شش گفتار است و موضوعهای اصلی آن چنین است: تعریف و انواع تب، تب روزانه و اسباب و علامت آن، تبهای عفونی و اسباب عفونت، تب دق، آبله و حصبه و علاج آن، بازگشت بیماری و حالت نقاهت. کتاب ششم به شرح و علاج بیماریهای مختلف از سر تا پا در ۲۷ گفتار اختصاص دارد و حدود چهل درصد ذخیره را در بر می‌گیرد و محتوی همه دانشهای زمان در مورد نشانیها، تشخیص، دارو و درمان است.

کتاب هفتم در هفت گفتار به انواع آماسها، ریشها و جراحیها، کوفتگیها، شکستگیها، دررفتگیهای مفاصل و سوختگیها اختصاص دارد و در آن جراحیهای مهم، داغ کردن و شکسته‌بندی شرح داده شده است. کتاب هشتم در سه گفتار، ویژه زینت و آراستگی سر تا پا یعنی بهداشت و بیماریهای پوست و مو و درمان آنهاست. کتاب نهم در پنج گفتار به انواع زهرها، مارگزیدگی، گزش سگ و سایر حیوانات، هاری و ... اختصاص دارد. کتاب دهم به منافع الاعضای حیوانات یا داروهای با منشأ حیوانی اختصاص دارد. کتاب یازدهم قرآبادین، داروشناسی و داروسازی است که این قسمت مخصوصاً در سده‌های بعد مورد استناد و استفاده بسیاری از مؤلفین پزشکی قرار گرفته و مرجع درمانگری بوده است (جرجانی، ذخیره: سراسر کتاب؛ تاج‌بخش ۱۳۸۴-۱۳۸۵ ب: ۲/۳۲۶-۳۲۷).

نوآوریها و تجربیات جرجانی

جرجانی در ذخیره پس از ذکر نظریات بزرگان پیشین نتیجه‌گیری کرده، بهترین و روشن‌ترین بیان موضوع را عرضه داشته و آنجا که ضروری است خود اظهار نظر نموده که از این جنبه بی‌نظیر است. وی در این کتاب و الاغراض‌الطیبه در بسیاری از موارد به تجربیات و کشفیات خود اشاره نموده است. از آن جمله، جرجانی کاشف بیماری «سالک»^۵ است. وی اولین کسی است که تورم غده تیروئیدی را (تحت عنوان «زاغر») گزارش کرده است. همو اولین کسی است که کاربرد گچ را در درمان جراحیها ذکر کرده است. بسیاری از ترکیبات دارویی کشف او است و از کتاب او به

کتابهای داروسازی بعدی انتقال یافته است. جرجانی در مورد درمان زودهنگام سرطان با استفاده از ترکیبات سرب و گیاهان دارویی کشف جالبی دارد که از نخستین گزارشهای شیمی درمانی است. در قسمت جراحی و ابزار آن نوآوریهای زیادی دارد. جرجانی پس از رازی و ابوالقاسم خلف بن عباس الزهراوی، بزرگترین جراح جهان اسلام است. اگر تجربیات، نوآوریها و کشفیات جرجانی را استخراج کنیم، خود کتاب ارزنده‌ای خواهد شد (در این مورد نک: تاجبخش ۱۳۸۴-۱۳۸۵ الف: ۸/ شصت و نه - هفتاد و شش).

پی‌نوشت‌ها

۱. Horn

۲. Thierry de Crussol

۳. Chardin

۴. صفحاتی از ذخیره که در این مقاله یاد شده مربوط به همین نسخه است.

۵. Oriental sore

منابع

ابن ابی اصیبعه، احمد بن قاسم، *عیون الانباء فی طبقات الاطباء*، به کوشش امروالقیس بن الطحان، المطبعة الوهیبیه، مصر، ۱۲۹۹ق.

ابن اسفندیار، بهاء‌الدین محمد بن حسن، *تاریخ طبرستان*، تصحیح عباس اقبال، تهران، ۱۳۲۰.

ابن بیطار، ضیاء‌الدین بن عبدالله الاندلسی، *الجامع لمفردات الادویه و الاغذیه*، بغداد، ۱۲۹۱ق.

ابن سینا، شیخ‌الرئیس حسین بن عبدالله، *القانون فی الطب*، خط محمدرضا احمد الطباطبائی، به سعی میرزا سید رضی حکیمباشی نظام، چاپ سنگی، طهران، سنه ۱۲۹۶ق.

ابن سینا، *علم النبض* (رساله نبضیه: رگ‌شناسی)، تصحیح سید محمد مشکوة، تهران ۱۳۱۷.

ابن ندیم، محمد بن اسحاق، *الفهرست*، ترجمه محمدرضا تجدد، تهران، ۱۳۴۶.

اخوینی البخاری، ابوبکر ربیع بن احمد، *هدایة المتعلمین فی الطب*، به اهتمام جلال متینسی، مشهد، ۱۳۷۱.

ارجح، اکرم و دیگران، ۱۳۷۱، *کتابشناسی نسخ خطی پزشکی ایران*، تهران.

الگود، سیریل، ۱۳۵۷، *طب در دوره صفویه*، ترجمه محسن جاویدان، تهران.

الگود، سیریل، ۱۳۸۶، *تاریخ پزشکی ایران و سرزمینهای خلافت شرقی*، ترجمه باهر فرقانی، تهران.

برهان قاطع، محمدحسین بن خلف تبریزی، به اهتمام محمد معین، تهران، ۱۳۶۲.
 بیهقی، ابوالحسن علی بن زید، تتمه صوان الحکمه، ترجمه ناصرالدین منتجب‌الدین یزدی، تحت
 عنوان: درة الاخبار و لمعة الانوار، به کوشش سید محمد مشکوة، ضمیمه مجله مهر، تهران،
 ۱۳۱۸.

تاج‌بخش، حسن، ۱۳۷۹ الف، تاریخ بیمارستانهای ایران (از آغاز تا عصر حاضر)، تهران.
 تاج‌بخش، حسن، ۱۳۷۹ ب، تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران، جلد دوم: دوران اسلامی، تهران.
 تاج‌بخش، حسن، ۱۳۸۴-۱۳۸۵ الف، «زندگی و آثار سید اسماعیل جرجانی»، در: جرجانی،
 الاغراض الطبییه، ج ۱، صص بیست و شش - صد و نوزده.
 تاج‌بخش، حسن، ۱۳۸۴-۱۳۸۵ ب، «فرهنگ اغراض طبی»، در: الاغراض الطبییه، ج ۲، صص
 VII-I + ۱-۳۹۶.

تاج‌بخش، حسن، ۱۳۸۶، «جرجانی، اسماعیل»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، ج ۲، به سرپرستی
 اسماعیل سعادت، تهران، صص ۵۰۲-۵۰۴.
 جرجانی، سیداسماعیل، الاغراض الطبییه و المباحث العلائیه، ج ۲، تصحیح و تحقیق حسن
 تاج‌بخش، تهران، ۱۳۸۴-۱۳۸۵.
 جرجانی، سیداسماعیل، ترجمه الذخیره الخوارزمشاهیه، نسخه ش ۱۱۳ پ، مورخ ۵۲۵ ق
 کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
 جرجانی، سیداسماعیل، حُفی علانی، به کوشش علی‌اکبر ولایتی و محمود نجم‌آبادی، تهران،
 ۱۳۶۹.

جرجانی، سیداسماعیل، ذخیره خوارزمشاهی، چاپ عکسی از نسخه مورخ ۶۰۳ ق به کوشش
 سعیدی سیرجانی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۵۵؛ همان، نسخه خطی نیمه اول قرن ۷ ق،
 ش ۱۳۹۴، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران؛ همان، نسخه خطی کامل نیمه دوم قرن ۷ ق، ش
 ۵۱۵۶ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران؛ همان، کتاب اول و کتاب دوم، به کوشش محمدتقی
 دانش‌پژوه و ایرج افشار، تهران، ۱۳۴۴ و ۱۳۵۰؛ همان، کتاب سوم (دو قسمت) به کوشش
 جلال مصطفوی، تهران، ۱۳۵۲ و ۱۳۵۶؛ همان، کتابهای اول - پنجم، به کوشش محمدرضا
 محرری، تهران، ۱۳۸۰-۱۳۸۴.

جرجانی، سیداسماعیل، یادگار، به اهتمام مهدی محقق، تهران، ۱۳۸۱.
 حکیم مؤمن (سید محمد مؤمن تنکابنی)، تحفة المؤمنین، تصحیح و تحقیق روجا رحیمی،
 محمدرضا شمس اردکانی، فاطمه فرجامند، تهران ۱۳۸۶.

دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، به کوشش محمدمعین و سید جعفر شهیدی، تهران، ۱۳۷۳.
 رازی، ابی بکر محمد بن زکریا، الحاوی فی الطب، صُح محمد عبدالمعیدخان، حیدرآباد دکن،
 ۱۹۵۵-۱۹۷۱ م.

شاردن، ژان، ۱۳۳۵-۱۳۴۵، سیاحتنامه، ترجمه محمد عباسی، تهران.

شمس اردکانی، محمدرضا و دیگران، ۱۳۸۷، *مجموعه‌ای از آثار علوم پزشکی دانشمندان اسلامی و ایرانی*، تهران.

صفا، ذبیح‌الله، ۱۳۵۶، *تاریخ ادبیات در ایران*، ج ۴، تهران.

عطار نیشابوری، فریدالدین محمد، *خسرونامه*، به اهتمام احمد سهیلی خوانساری، تهران، ۱۳۳۹.

عقیلی علوی خراسانی، محمدحسین، *قربادین مجمع الجوامع* (همراه با مخزن الادویه تحت عنوان قربادین کبیر در ۱۲۷۶ ق چاپ سنگی شده است)، تهران، ۱۳۴۹.

علی افضل‌بن محمد قزوینی مشهور به قاطع، *فوائد افضلیه*، نسخه خطی ۳۲۸۸، مورخ حدود ۱۰۷۰ ق، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

غیاث‌الدین بن محمد معروف به غیاث متطبب، *مرآة الصحه*، نسخه خطی مورخ ۸۹۶ ق به خط مؤلف، شماره ۳۹۳ / پ، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

فیلسوف‌الدوله، عبدالحسین، *مطرح الانظار فی تراجم اطباء الاعصار*، تبریز، ۱۳۳۴ ق.

قزوینی رازی، عبدالجلیل، *نقض (بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض)*، تصحیح میرجلال‌الدین محدث، تهران، ۱۳۵۸.

قزوینی، محمد، «حواشی» چهارمقاله ← *نظامی عروضی*.

مستوفی، حمدالله، *نزهت القلوب*، مقاله‌های اول و دوم، نسخه خطی امانتی، [بی‌تا].

نصر، سید حسین، ۱۳۶۲، «طب سنتی ایران و اهمیت امروزی آن»، *مجموعه مقالات طب سنتی ایران*، تهران.

نظامی عروضی سمرقندی، احمد بن عمر، *چهارمقاله*، تصحیح و حواشی محمد قزوینی، لیدن، ۱۹۰۹م / ۱۳۲۷ ق.

هروی، ابو منصور موفق‌الدین، *الانبیه عن حقایق الادویه*، تصحیح احمد بهمنیار، به کوشش حسین محبوبی اردکانی، تهران، ۱۳۴۶.

یاقوت بن عبدالله الحموی البغدادی، شهاب‌الدین ابی عبدالله، *معجم البلدان*، ج ۲، لایبزیگ ۱۸۶۷م.

Brown, E., ۱۹۲۱, *Arabian Medicine*, Cambridge.

Horn, P., "Der Schatz des Khwarezmsah", in: *Wiener Zeitschrift für die Kunde des Morgenlandes*, IV. Band, ed. A. Hölder, Vienne, ۱۸۹۰, pp. ۱۳۱-۱۴۳.

Thierry de Crussol, *L'oeuvre d'Esmail Gorgani à travers la physiologie et l'ophtalmologie du Zakhirah-yi-khwarazmsahi et des Aghrad at Tibbiyah*, Thèse de Doctorat, Paris, ۱۹۹۲.